



## جمهوری اسلامی و سنگ قبرهای ترکی

منهران باهاری

<http://turkce-sindashlari.blogspot.com>

### سنگ قبرها و جنگ فرهنگها

جمهوری اسلامی عرصه "زندگی" را بر ترکان ایران تنگ کرده است، اما این همه داستان نیست. دولت قومیتگرای فارس جمهوری اسلامی عرصه "مردگی" را هم بر ترکان ساکن در ایران تنگ نموده است! جنگ همه جانبه فرهنگی جمهوری اسلامی بر علیه زبان و فرهنگ ترکی در ایران، اکنون به اعلامیه های فوت و آگهی های عزاداری و سنگ قبرهای ترکان و آذربایجان نیز رسیده است. قبلا واحد نظارت بر اماکن عمومی و واحد اطلاعات نیروی انتظامی در برخی از شهرهای آذربایجان دستور داده بود که

مردم برای عروسی ها و جشن ها، و گروههای موسیقی ترکی و آذربایجانی برای حضور در این مراسم باید اجازه و مجوز بگیرند، کارتهای عروسی ترکان باید به زبان فارسی باشد، هنرمندان رقص آذربایجانی در مراسمها و کنسرتها حق پوشیدن لباس سنتی آذربایجانی در مراسمها را ندارند، سرودها و مارشهای ملی آذربایجان در مراسم های عروسی نباید نواخته شود و.... (۱)

اخیرا دامنه تضییقات ضدبشری مقامات و نهادهای فارسگرای دولت، به سنگ قبرها و اعلامیه های ترحیم و آگهی های فوت هم گسترانده شده است. امروز مبارزه ای بی صدا بر سر زبان سنگ قبرهای ترکان و آذربایجان، بین ترکان و آذربایجان از یک سو و دولت جمهوری اسلامی ایران از سوی دیگر در جریان است:

۱- سخنگوی کمیته دفاع از زندانیان سیاسی آذربایجان علیرضا جوانبخت می گوید: «دو سال پیش ابلاغیه ای [دولتی] را در شهر اورمیه دیدم که در آن به مراکز تکثیر و انتشار دستور داده شده بود که آگهی های ترحیم و عزاداری را نباید به زبان ترکی منتشر کنند» (۲)

۲- در اخبار از کنده شدن علامت هلال ماه و ستاره بر مناره های برخی از مساجد آذربایجان (بقعه سید حمزه در تبریز در کنار مقبره الشعرا) خبر داده می شود.

۳- در اخبار دیگری به اعمال محدودیت برخی از مقامهای دولتی بر سنگ قبرهای نوشته شده به زبان ترکی سخن اشاره می شود.

۴- البته این همه غیر از تخریب فیزیکی سنگ قبرهای منسوب به ترکان بویژه سنگ قبرهای تاریخی باقیمانده از دوره حاکمیت دولتهای ترک بر ایران است که در اثر اهمال سازمانها و نهادهای دولتی (سازمان اوقاف، سازمان میراث فرهنگی، دفتر باستان شناسی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، شهرداریها و ...) گاه گاه با آن مواجه می شویم. (۳)

### امتحان روضه فارسی، امتحان موعظه فارسی:

محدودیتها بر کاربرد زبان ترکی در اعلامیه های ترحیم و آگهی های فوت و سنگ قبرها و ... که در زمینه پروژه کلان دولت جمهوری اسلامی ایران برای ریشه کن کردن فرهنگ و زبان و هویت ترکی از ایران و بویژه آذربایجان جنوبی اعمال می شوند، تنها بخشی از تضییقهای دولتی اند که ترکان ایران و آذربایجان در زمینه مذهبی و سنن دینی خود معروض به آنهایند. شونیسیم فارس در آذربایجان در امکان هر گونه فعالیتهای فرهنگی و مدنی آزادانه امور دینی ترک و آذربایجانی را غیر ممکن ساخته است. خبر زیر در باره شهر قم آذربایجان است (۴):

۱- تهدید فرهنگیان، شعرا و نویسندگان مذهبی ترک از سوی مقامات و نهادهای دولتی: در طول چند سال گذشته دهها تن از فعالان و شاعران و نویسندگان ترک قم به انحاء مختلف تهدید شده اند.

۲- ممنوعیت نشر مطالب ترکی در نشریات: نشریات قم طبق دستور رسمی ارشاد، حق نشر مطالب ترکی را ندارند این در صورتی است که حداقل شصت و پنج درصد جمعیت این شهر مذهبی را تورکها تشکیل می دهند.

۳- مجبور کردن مداحان ترک برای گذراندن امتحان روضه فارسی از طرف اداره ارشاد: ادارات ارشاد برای بیمه کردن مداحان ترک از آنها به زبان فارسی امتحان



می گیرد. یعنی آنان مجبور هستند روضه فارسی بخوانند. برخی از مداحان سرشناس که به روضه فارسی تسلط ندارند از امتحان رد شده اند. سوال اینجاست که چرا وقتی مداحی در ایران با زبان تورکی شناخته میشود و بهترین مداح ایران سلیم مودن زاده تورک است چرا از مداحان تورک مداحی فارسی امتحان گرفته میشود.

۴- مجبور کردن روحانیان ترک برای گذراندن امتحان موعظه فارسی از طرف دفتر تبلیغات اسلامی: دفتر تبلیغات اسلامی نیز همین کار غیرانسانی و استعماری را با روحانیان ترک انجام میدهد و از آنها برای رتبه بندی تبلیغی شان امتحان سخنرانی فارسی میگیرد، به همین دلیل خطبای توانمند تورک حوزه های علمیه از حق واقعی خود در دفتر تبلیغات اسلامی محروم میشوند.

۵- جلوگیری از فعالیت هیاتهای عزاداری ترک: مدیریت حرم حضرت معصومه تا دو سال گذشته از حضور هیاتهای تورک در حرم در ایام مذهبی جلوگیری می کرد که با تلاش هیات مذهبی تورک این امر تا حدودی مرتفع شده است اما هنوز هم در ایام عزاداری ترکان حق عزاداری در مقابل ایوان آینه که مراسم های برگزار شده در آن مستقیماً از برخی شبکه تلویزیونی پخش میشود ندارند.

۶- فشار برای انحلال جامعه مداحان آذربایجانی از طرف اداره اطلاعات: جامعه مداحان آذربایجانی که با همین عنوان در قم در طی ده سال گذشته فعالیت میکرد و به مسائلی از قبیل آموزش مداحی و برگزاری مراسمهای مذهبی می نمود در این اواخر با تشکیل جلساتی به بیمه مداحان و شعرای تورک قم اقدام کرده بود و جلسات مستمری برای سامان دادن امور آنها تشکیل میداد. اما اداره اطلاعات قم از وحدت مداحان و شاعران مذهبی تورک قم در مقابل مداحان و شاعران مذهبی فارسی زبان به خشم آمده است و با احضار سه تن از مداحان و شاعران تورک به اداره اطلاعات خواستار انحلال جمعیت آنان شده است. اداره اطلاعات آنان را مجبور کرده است که به جامعه مداحان فارسی زبان بپیوندند.

### جمهوری اسلامی از سنگ قبرهای ترکان چه می خواهد

نخستین دولت فارس تاریخ اخیر ایران، یعنی رژیم پهلوی مصمم به ریشه کن کردن زبان و هویت ترکی از ایران و فارسسازی مطلق ملت ترک ساکن در این کشور بویژه در آذربایجان جنوبی از همه جهات زبانی، مذهبی، فرهنگی و ... بود. محدودیتها و ممنوعیتهایی که بر اعلامیه های ترحیم، آگهی های فوت و سنگ قبرهای ترکی از سوی جمهوری اسلامی ایران اعمال می شود، نیز در ادامه همان سیاست بوده و تماماً در ضمیمه با حقوق بشر، شعائر اسلامی و سنن رایج در تاریخ و گذشته مردمان ساکن در ایران است. در گذشته هیچکدام از دولتهای ترک و آذربایجانی حاکم بر ایران کوچکترین محدودیتی در اینگونه عرصه ها اعمال ننموده اند. حتی در قرن بیستم و تا روی کار آورده شدن دولت استعمار نشاند و کودتای پهلوی نیز وضعیت به همین منوال بوده است. در این دوره نه تنها کوچکترین محدودیتی در کاربرد زبان ترکی در آگهیهای فوت و اعلامیه های ترحیم و سنگ قبرها موجود نبوده، بلکه زبان ترکی به عنوان زبانی رسمی و دولتی در این موارد نیز بکار برده شده است. چنانچه تسلیت نامه ی مجلس اول در مرگ مظفالدین شاه، در روزنامه ی رسمی مجلس به دو زبان فارسی و ترکی چاپ گردیده است (۵)؛ (در قانون اساسی بعد از انقلاب مشروطیت ۱۹۰۶ زبان رسمی کشور قید نشده بود). اکنون پس از یک صد سال از دوره مشروطیت، در حالیکه اقلیتهای غیرمسلمان ارمنی و ... سنگ قبرها و اعلامیه های ترحیم خود را به زبان ملی شان ارمنی و با خط ارمنی با آزادی کامل می نویسند، محروم بودن ملل مسلمان ساکن در ایران از نوشتن سنگ قبرها و اعلامیه های ترحیم خود به زبان و خطوط ملی شان، معناتی به جز دشمنی آشکار جمهوری اسلامی با زبان و فرهنگ و ملل مسلمان ساکن در ایران بویژه ترکان و آذربایجانیان ندارد. در دراز مدت، ممنوع کردن آگهی های فوت، اعلامیه های ترحیم و سنگ قبرهای ترکی از سوی جمهوری اسلامی تلاشی برای نابود کردن هویت ترکی در ایران است.

با ممنوع کردن سنگ نوشته های ترکی، یک فرهنگ قتل عام شده از بین برده می شود. در چنین شرایطی است که یک آگهی فوت و یا سنگ قبر معمولی تبدیل به یادمان و سمبول هویتی حساسی می شود. به همه حال اجبار به انتشار تسلیت نامه ها و اعلامیه های ترحیم و سنگ قبرها به زبان فارسی مانند خود رسمی شدن زبان فارسی بدعتی شوم در تاریخ ایران است و ترکان ایران و آذربایجانیان می باید اعتباری به آنها نکرده بلکه در مقابل اینگونه بدعتهای ضد انسانی شدیداً مقاومت نمایند. ترکی نویسی آگهی های فوت و اعلامیه های ترحیم در کوتاه مدت بخشی از مقاومت مدنی در مقابل سیاستهای نژادپرستانه و بویژه نوشتن سنگ قبرها به ترکی حرکتی بسیار مهم در پاسداری از وطن آذربایجانی و هویت تاریخی ترکی آن است. (۶)

در زیر یکی از موارد تضییق بر سنگ قبرهای ترکی مربوط به شهر کرج آذربایجان عیناً آورده می شود:

### نخستین سنگ مزاری که در کرج به ترکی حک شد (۷)

"هنوز برف می بارید و من با دستان یخ زده ام سنگ قبر وی را از برفها پاک می نمودم. بیگانه نبود مادرم بود. هنوز هم موهای سفید کوتاهش را به خاطر دارم. مادرم هر شب با رادیوی چوبی کهنه گوشه اتاق ور میرفت. او گوشش را به رادیو چسبانده و هر شب اخبار رادیو باکو را گوش می کرد. هنوز نمی فهمیدم که چرا! مادرم هر شب به برنامه های ترکی و اخبار باکو گوش می داد. او به سختی جان داد. آن زمان که مرزهای اهریمنی شوروی در هم فرو ریخت و مقابل چشمان خود در تلویزیون مردم دو آلمان جدا شده را می دیدم که دیوار برلین را می شکستند و مرزهای قراردادی را به ذهن تاریخ می سپردند و ملت ها با اراده و شعور ملی خود تاریخ را ورق زدند. تنها من دو کره و دو آذربایجان را دیدم که ماندند و ماندند. با مردنش بسیار دیر بیدار شدم. سالهایی که ملت ما در فراموشی و سرکوب قرار داشتند. مرده ای در مرگش آغازگر راهی شد.

من برای سنگ مزار وی هر بار سراغ مسئول حراست گورستان می رفتم و او به محض دیدن من همچون مرده ای از پشت میز بلند می شد و می گفت: آقا تو هم شادی مشکل قبرستان ما، سنگ قبر مادر شما چه اهمیتی دارد که به ترکی یا فارسی نوشته شود؟ آدم که مرد مرده است و برای مرده اهمیتی ندارد که نوشته های سنگ قبرش به ترکی آذربایجانی باشد. به محض این بحث ها من نیز با درد و رنجی صد چندان به مسئول حراست قبرستان جواب میدادم که اگر نوشته فارسی و یا ترکی اهمیتی برای مرده و شما ندارد چرا اجازه حکاکای سنگ قبر به زبان ترکی را نمی دهید. بیش از چهار ماه مزار بدون سنگ رها شده بود. بهار نیز گذشته بود. اما آنچه را می خواستم با اراده و لجاجت تمام بعد از ماهها معطلی به انجام رساندم. و مضامین نوشته های سنگ به ترکی حک شد. اولین نوشته سنگ مزار به زبان ترکی در انتهای حصارک شهر کرج و در قبرستان بهشت سکینه به سال 1377 نوشته شد."

### سنگ قبرها، سند مالکیت وطن

اهمیت مزارها تنها به آن نیست که پارچه ای از خاک مقدس وطن که عزیزانمان را به امانت به آن سپرده ایم می باشند. بلکه مزارها در عین حال دلالت بر قوم و ملتی دارند که بر یک سرزمین می زید، مزارها سند مالکیت یک سرزمین اند که بر طبیعت نقش شده اند.

برای بدست آوردن هویت ملی هر جمعیت و منطقه و شهری و برای تهیه نقشه دموگرافیک و جمعیت شناسی آنها نگاهی به قبرستانهایشان کافی است. قبرستانها به همراه نامهای نام محلات و کوچه ها و سمتها و کاروسراها و دیگر ابنیه تاریخی مهمترین اسناد و مدارک بر هویت ملی مناطق اند. از همین رو حفظ قبرستانها و تحویل آنها به نسل بعد از ضروریات ملتی متمدن بودن است و باز از همین روست که در سرزمینهای اشغالی نخست اسناد مالکیت کاغذی و سپس سنگ قبرها نابود می شوند. در ایران نیز با تبدیل سنگ قبرهای ترکان و آذربایجان به سنگ قبرهای فارسی عاری از هر گونه نوشته و نشانه ترکی، در پشت پرده پروژه ای دراز مدت از طرف فارسیها در حال اجراست. این پروژه عبارت است از ایجاد هویتی فارسی برای تاریخ ترک و گذشته آذربایجان و بر مبنای آن ادعای تملک ارضی بر هر دوی آنها در آینده. مشابه این پروژه توسعه طلبانه برای ادعای تملک بر اراضی ترکان و آذربایجان همزمان از سوی ارمنیان و کردان (در کرکوک) نیز در حال اجرا است:

#### ۱- تخریب مزارهای ترکی در کرکوک و دیگر مناطق تورکمان نشین عراق توسط کردان: در مناطق تورکمان نشین عراق همه



میراث ترکی در دوائر رسمی و قبرستانها تخریب می شود. از سال ۲۰۰۳ به بعد پیشمرگه های کرد پس از ورود به کرکوک در نخستین اقدام ادارات سرجل و ثبت اسناد را تخریب و به آتش کشیدند. این اقدام آگاهانه مقدمه ای برای رد تاریخ و بازنویسی آن بود. متعاقب آن بسیاری از سنگ قبرهایی که دارای نشانی از هویت ترکی، سمبل ماه و ستاره و یا نوشته ای به زبان ترکی بوده اند توسط کردها تخریب شده اند. امروز در قبرستانهایی که تا چند سال هر سنگ قبر دارای سمبول ای اولدوز (ماه ستاره) بود، امروز از آنها اثری نیست. این سمبولها که اسنادی از تاریخ طولانی بودند توسط پیشمرگه های کرد نابود می شوند تو گوئی که آنها نیز واقف به این حقیقت اند که اینها موزه های باز می باشند. آنها سنگها با سمبل ماه و ستاره و متون ترکی را در پایه ساختمانها و یا دیوار باغچه ها که برای تازه واردین کرد ساخته می شود به عنوان مصالح ساختمانی بکار می برند. سپس مالکیت اینکه به راحتی بتوانند بر این شهر بیش از هزار سال ترک، ادعای مالکیت کنند شروع به نوشتن و نصب سنگ مزارها به زبان کردی کردند. (در پاسخ به این بازنویسی تاریخ، مجلس مشورتی تورکمان، جایزه ای یک میلیون دلاری برای کسی که یک سنگ مزار به زبان کردی مربوط به پنجاه سال قبل از کرکوک بیاورد تعیین کرده است).

**۲: دفن صلیب توسط ارمنه در گورهای خدافین و قره داغ آذربایجان:** بنا به خبر خبرگزاری میللی شورا، در حال حاضر هیچ ارمنه ای در خدافین آذربایجان جنوبی زندگی نمی کند. ارمنه مقیم این منطقه در سالهای گذشته بویژه پس از تاسیس جمهوری اسلامی به میل خود از خدافین و قره داغ خارج شده اند. بگونه ای که در حال حاضر می توان گفت که هیچ ارمنی ای در مناطق خدافین و قره داغ زندگی نمی کنند. اما به رغم این موضوع برخی از ارمنه جمهوری ارمنستان با عبور از رود ارس، صلیبهای کوچکی را در قبرهای رها شده منطقه اعم از مسلمان و غیر مسلمان دفن می کنند. بومیان منطقه معتقدند ارمنه با این اقدام قصد تاریخ سازی و متعاقب آن ادعای مالکیت ارضی برای خود دارند. چنانچه یک ارمنی مقیم اصفهان فارسستان، اخیراً مدعی مالکیت اراضی صفر مرزی در ناحیه خدافین آذربایجان شده است! وی با سفر به منطقه خدافین مدعی شده که اراضی مجاور پلهای حسرت و همچنین سد خدافین از قدیم به خانواده وی تعلق داشته است. ادعاهای وی سبب ایجاد واکنش شدید مردم منطقه شده است.

#### انعکاس فارسسازي دولتي در سنگ مزارهاي ترکان و آذربایجان



مقامات جمهوری اسلامی با اشاره به این که امروزه عملاً زبان نوشتاری ترکان و آذربایجان فارسی است و اینکه نوشته های سنگ قبرهای بسیاری از ترکان و آذربایجانیان نیز به فارسی است، به این نتیجه می رسند که در میان ترک زبانان ایران و سرزمین آذربایجان چیزی از فرهنگ ترکی وجود ندارد، فرهنگ ترکی فرهنگی بیگانه برای ترک زبانان و آذربایجانیان است و زبان فرهنگی و اصلی ترکان، فارسی است. آنها ادعا می کنند در میان آذربایجانیان و دیگر ترکان ایران، سنت انتشار اعلامیه های ترحیم و نوشتن سنگ قبرها به زبان ترکی وجود ندارد. چنانچه منصور حمیدی، مسئول واحد هنرهای سنتی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان آذربایجان شرقی، ادعا نموده است: "آذربایجانیها تنها در حرف زدن است که از زبان ترکی استفاده می کنند، آذربایجانیها بیشتر از زبان فارسی برای نگارش استفاده می کنند. حتی زن و شوهرها برای نوشتن یادداشت برای هم از زبان فارسی استفاده می کنند. زمانی برخی از مردم شهر قصد داشتند با انتشار اعلامیه هایی به زبان ترکی زبان رسمی اعلامیه ها را عوض کنند، اما این اتفاق نیفتاد."

آنچه که این مقامات به عمد از ذکر آن خودداری می کنند این است که فارسی نویسی ترکان کلاً معلول سیاستهای استعماری دولت ایران در تحمیل زبان قوم فارس بر ترکان و ریشه کن کردن زبان و فرهنگ ترکی از ایران است. این سیاستهای استعماری متأسفانه آثار تخریبی خود را در همه عرصه های اجتماعی از جمله در آگاهی های فوت، اعلامیه های ترحیم و نوشته های سنگ قبرها نیز نشان می دهد. عدم استفاده از زبان ملی ترکان و آذربایجانیان در این موارد، صرفاً نتیجه محروم نگاه داشته شدن این ملت از حق تعلیم و تعلم به زبان ملی خود ترکی و از طرف دیگر اعمال محدودیتها و تضییقها بر کسانی است که اقدام به استفاده از زبان ترکی در این عرصه ها می کنند است. به همه حال سنگ مزارها علاوه بر آنکه با گذشت زمان و جنگها مادامتاً از بین می روند، با تغییر زبان آنها نیز معنا نابود می شوند. این آن اتفاقی است که در ایران روی می دهد و در نتیجه آن است که هر روز که می گذرد سنگ مزارهای ترکان کمی بیشتر از گذشته و هویت ملی خلق ترک دورتر می شوند.

آری، سنگ مزارها علاوه بر آنکه نشانی (بللیک) از صاحب مزارند، سندی در باره حوادث اجتماعی نیز می باشند. با بررسی این اسناد می توان در باره برخی از حوادث گذشته و یا حاضر وقوف یافت. چنانچه با بررسی سنگ قبرهای ترکان ایران می توان به روند شتابان فارس شوندهگی ترکان (در دوره های پهلوی و جمهوری اسلامی) و هویت زدانی و ترک زدانی از صحنه ایران پی برد و آثار گذار از حاکمیت ترکان به فارسها در ایران را به روشنی دید. عمده ترین این آثار عدم کاربرد زبان ترکی در نوشته های سنگ مزارهاست. امروز کسی که به قبرستانهای آذربایجان جنوبی و دیگر نقاط ترک نشین ایران مراجعه کند به سختی می تواند سرنخی بدست آورد که این نشان از تعلق آنها به سرزمین و ملتی ترک باشند. قبرستانهای ما بیش از خود ما، هال و هوای همسایه مان یعنی قوم فارس را پیدا کرده اند. این وضعیت ناخوشایند، منحصر به عوام الناس که به همه حال از حق تعلیم و تعلم به زبان ترکی محروم مانده اند نیست، بلکه سنگ قبر بسیاری از بزرگان ترک و آذربایجانی که در راه اعتلای حقوق ملی و فرهنگی ملت ترک عمر خود را صرف کرده اند نیز با کمال تعجب و تاسف به زبان فارسی است. مثلا سنگ مزارهای فریدون ابراهیمی، صمد بهرنگی، شیخ محمد خیابانی، ستارخان مرضیه اوکونی، رشده، کلنل پسیان و صفرخان، غلامحسین ساعدی ، .... همه و همه به زبان تحمیلی و استعماری قوم همسایه اما برتری طلب فارسی است!!! این وضعیتی به معنی دقیق کلمه شرم آور است.

## قورقان، بالبال و تیکیلی داش در میان ترکان باستان

### قورقان:

کلمه قورقان کورقان Kurgan veya Korgan korqan, kurqan, kurghan، به معنی تپه ای کوچک که از انباشتن خاک بر سر مزار به وجود آید، تپه مصنوعی مزار که از انباشتن خاک و یا سنگ بر روی مزار بوجود می آید، بوده و اصلا کلمه ای ترکی است. (مانند یورقان، آلیشکان، اؤرکن، ن، یارقان). از زبان ترکی به روسی و از آنجا به انگلیسی وارد شده است. این کلمه در زبان ترکی به معنی قلعه، استحکامات، برج و بارو، شهر، جانی که محافظت شود، بنای یادبود، آرامگاه و مقبره، تومسه ک، هویوک، تیکمه داش، تریه، قبه شخص مرده، بعدها به معنی دیوار و قلعه هایی که برای حفاظت از سواره دشمن ایجاد شده، حصار مزار، آغل گوسفندان و... بکار رفته است. (در ترکی قیچاق: قورقان ائو: مزار)، معادل لاتینی آن تومولوس Tumulūs است. قورقان به منظور مشخص کردن محل دفن معمولا در تپه های کوهها درست می شده است. در زیر قورقان، جسد متوفی در یک گودال و یا اتاق چوبی گذاشته می شد. اتاق مزار در قورقانها مربع، مستطیل و یا بیضی شکل بود. جسد در قورقانها همراه با اشیایشان حتی اسبهایشان و رو به شرق دفن می شده اند. کسانی که مزارها را تخریب می کردند به شدیدترین وجهی مجازات می شدند.

قورقانها در سیبری، آسیای میانه، روسیه، آذربایجان، آناتولی، بالکان، اروپای شرقی و مکزیک دیده شده اند. نخستین نمونه های آن مربوط به هزاره چهارم قبل از میلاد در آوراسیا در صحرای جنوب روسیه بوده که بعدها به دانوب، اروپای شمالی، و شمال ایران در حدود ۲۵۰۰ قبل از میلاد گسترش یافته است. سنت قورقان سازی بویژه در میان ترکان و مونقولهایی شامانیست که آنرا اویا می نامیده اند مرسوم و بویژه در دوره هونها در آسیای میانه توسعه یافته است. نمونه های مهم قورقانهای ترکی، اتسیک قورقان دارای شخصی با لباسهای طلایی و پازیریک قورقان که دارای نخستین نمونه های قالی ترکی است می باشد.

### بالبال:



نوعی از اوبنلیکسهای قورقان از سنگ و یا رس، مجسمه ی انسانی و سنگی آئینی که در اطراف بعضی از قورقانها به عنوان یادبود متوفی نصب می شده و سمبل انسان بوده است. ترکان باستان به این سنگ ها بالبال می گفته اند. در گذشته بالبالها قهرمانیهای ترکان باستان را نشان می داده اند، امروز نیز فلسفه حیات، احساسات و تفکرات و جهانبینی، و باورهای ملت ترک را منعکس می کنند. در آسیای میانه ترکان باستانی بویژه گروههایی که بر دین شامانی بوده اند مانند قومانها (قیچاق)، بالبالها را به شکل فیگورهای جنگ آوران در اطراف تپه مزار (قورقان) رزمندگان فوت کرده نصب می کرده اند. بالبالها شخصیت و قهرمانیهای متوفی و یا دشمنانی که رزمنده مذکور آنها را به قتل رسانده بود را تمثیل می کرده و به تعداد آنها بودند. ترکهای اوعوز نعش متوفی را در گودالی اتاق مانند گذاشته و به یک دست آن قدحی چوبی پر از شراب می داده اند. در درون تابوت نیز شراب را در ظرفی بسیار بزرگتر قرار می دادند. این سنت در بالبالها هم ادامه یافته است. بالبالها عموما به شکل جنگاوری است که در یک دست چپ شمشیر و در دست بالا آورده راست خود قدحی شراب داشتند. به اعتقاد ترکان قدیم این بالبالها خدمتکاران متوفی بوده و در بهشت در خدمت او خواهند بود. گاهی اوقات نیز بالبالها به یادبود دشمنانی که در جنگ کشته شده بودند برافراشته می شده اند.

کلمه بالبال ترکی دارای ریشه اورال-آلتایی است. (باریمال در مونقولی، پلبو در تونفوس-مانچو، پانبوا، پانبیاتی، پانبما در ژاپنی، بالوانی در مجاری به همین معنی). مصدر باری در زبان مونقولی به معنی ساختن بنا و ریشه پانی در ژاپنی به معنی خاک رس است. احتمالا کلمه بالبال با کلمات ترکی بالیق-بالیق (شهر، کلان شهر)، پالچیق (گل)، بالتاق (گل و لجن)، بالکان - بلقان - بالقان (سلسله کوههای جنگلی، تپه غلطان شنی)، بالقانلیق (منطقه ناهموار)، بالاقان (سنگ، صخره)، بالخاش-بلخاس (نام دریاچه و شهر) هم‌ریشه است. این کلمه به شکل بولوان به روسی قدیم وارد شده است.

بالغ (بالیق، بالیغ، بالغ، بالق، پالیق، بلق و بالوق) واژه ترکی به معنی شهر، ده، خانه و قلعه و کاخ، مجتمع خانه ها و در جغرافیای به معنی «شهری که اطرافش را دیوارهایی محصور کرده باشد» است. پالیق-بالیق در ترکی مدرن معادل کلان شهر است. این کلمه تنها یا به صورت ترکیبی در اسامی شهرها و اماکن به کار رفته است. بالیق در کتیبه های اورخون (قرن دوم) و نوشته های اویغوری استعمال شده و از واژه های کهن و اصیل ترکی است. محمود کاشغری در دیوان لغات الترك بعد از قید بالق به معنی کاخ و شهر و بالیقاندی - به معنی «در جایی قلعه ساخته شد» - تصریح میکند که این عنوان مخصوص اویغورها -ترکان شهرنشین و دارای تمدنی پیشرفته- بوده است. بالق به صورت ترکیبی هم در اسامی شهرها و اماکن دیده می شود: مثلا در کتیبه های اورخون به صورت بیش، بنش بالق (در ترکستان چین)، چن بالق، ینی بالق، خان بالق (شهرخان، شهرهای قره قروم و پکن مدت زمانی به این نام خوانده می شدند)، ایلی بالق (در ساحل رود ایلی، آوردو پالیق، باي پالیق،.... معادل آن در مغولی بالاقا، بالقاهان-بالقان (بوریات)، بالق-بالاق (داگور)، در تونگوزی-منچوری پالوقا، در ژاپنی پایی، فرم آلتایی اولیه آن پییلاق، بییلاق (ترکی قدیم)، چوواشی (پولش)، پالوق (ساری یوغور)، بالوق (خلج) است. واژه بالک (بالق) به زبان برخی از مردم ارغو (ساکنان نواحی میان طراز و بلاساغون) به معنای گل و لجن نیز آمده است. واژه بالق با کلمه پالچیق، بالچق به معنی گل هم نسبت دارد. مشابه این دگرگونی معنایی را در کلمه ترکی دیگر توی می توان دید که هم به معنای گل است و هم به معنای قرارگاه و در نوشته های اویغوری به معنی شهر نیز به کار

رفته است. این تحول معنایی با ملاحظه ساختمانهای گلی شهرها طبیعی می نماید. الباقی احتمالاً هم‌ریشه با اسم بالکان (شبه جزیره بالکان) نیز می باشد. در زبان ترکی این نام به صورت بالقان و بلقان آمده که به معنای رشته کوه است. ترکان منطقه ناهموار را بالقانلیق می‌نامند. کلمه بالیق، با نام شهر بلاساغون- بلاساقون - بلاساکن - بلاغاسون (شهر خاقان ترک، ولایت خاقان ترکش، مدینه خاقان ترکشی) که با نامهای غز اردو، غز اولوش و غز بالیق نیز شناخته شده مرتبط است. اگر جزء آخر بلاغاسون یعنی کلمه سین به معنای قبر و شهر گرفته شود این کلمه به صورت بالقاسین و یا بالیق سین قابل توضیح است. جزء دوم قره بالقاسون پایتخت اویغوری در کنار رودخانه اورخون و نام بالقاس در صحرای قزاق احتمال دارد که با بلاساقان پایتخت هونها که به قفقاز جنوبی مهاجرت کرده اند یکی باشد.

### تیکیلی داش:

تیکیلی داش، سنگ ستون با قاعده دایره ای و یا چهارضلعی که به طرف بالا نازک می شود است که به یادبود شخصیت و یا حادثه خاصی ساخته شده است. در زبانهای اروپائی به نوع کلاسیک آن اوبلیسک Obelisk و به نوع غیر کلاسیک آن ستل Stel گفته شده است.

### قدیمی ترین نمونه های ادبیات ترک، نوشته های سنگ مزارها است

سنگ قبرها در عین حال نمونه زیبایی از محصولات زبانی و خزینه ای پررینا برای زبانشناسان، تاریخنگاران، فلکلورشناسان، عالمان فلسفه و ادیبانتند. در ادبیات ترک نیز قدیمی ترین نمونه ها عبارت از نوشته های سنگ مزارها است:

**۱- سنگ مزارهای کوک تورک:** در اواسط قرن ششم میلادی دولتی بزرگ در آسیای میانه ظهور کرد. طایفه حاکم این دولت «ترک» نام داشت و این نام بعدها به قلمرو بزرگی اطلاق شد که بسرعت گسترش یافت. از فرمانروایان این قوم اولین متون منسجم در فرم کتیبه های سنگ مزار به گویشی از ترکی کهن به جا مانده است. این کتیبه های سنگ مزار، نخستین مأخذ شناخته شده اند که در آن کلمه ترک بارها به عنوان نام جمعی از مردمان به کار رفته و بهترین شواهد برای تحقیق جامع در باره همه آنچه از زبان ترکی تا امروز بازمانده می باشند. کتیبه های مذکور که به سده های اول تا چهارم / هفتم - دهم تعلق دارند با پیشینه های جغرافیایی - سیاسی گوناگون کهنترین اسناد زبان ترکی اند. بعضی از آنها بویژه کتیبه های طولانی و منسجم اورخون امکان تجزیه و تحلیل در جزئیات ساختاری زبان ترکی را فراهم می کنند. سنگنیشته های اورخون در دو حوضه رودهای اورخون و تالاس و بنی سنی است که شامل چند سنگ قبر از جمله سنگ قبر کول تگین (731 / 113) و بیلگه قاغان / خاقان (734/116) می باشد. این متون اغلب به خطی مشهور به رونی و یا رونی شکل نوشته شده اند.

**۲- سنگ مزارهای ترکان باستانی بولقار:** ترکهای باستان در اروپای شرقی در مثلث جغرافیایی گسترده ای شامل نواحی پونتیک، ولگا و بالکان مستقر شده بودند که بلغارها نمونه ای از آنانند. بلغارها یکی از اقوام اوغوری اند که از قرن پنجم تا هفتم میلادی در منطقه پونتیک به سر می بردند و بعدها در قرن هفتم به شمال شرق بالکان نزدیک رودخانه دانوب و در تاریخی نامعلوم به ولگا کوچ کردند. زبان بلغارهای شمال شرق بالکان، ترکی بلغاری دانوب نامیده می شود. شواهد بر جا مانده از زبان ترکان بلغار، همانند زبان ترکان خزر نامهای جایها و اشخاص در فهرست شاهزادگان بلغاری و چند «گور نوشته» و کلمات و القاب و اسامی و وامواژه ها در زبان اسلاوونیک یعنی شکل قدیمی زبان بلغاری امروز (اسلاوی) است. متون کوتاه اما منسجم کتیبه های ترکی سنگ مزارهای بلغار ولگا که به خط عربی نوشته شده، از مهمترین مدارک زبان شناختی در باره زبان آنها و بررسی گذشته زبانشان محسوب می شوند. امروزه با توجه به کتیبه کشف شده در سرزمین بلغارهای کرانه رود دانوب معلوم شده است که زبان بلغارها به زبان معاصر چوواشها نزدیک، و جزو زبانهای ترکی غربی بوده و به گروه زبانهای اغوز - پچناک تعلق داشته است.

### سمبلهای ترکی در سنگ قبرهای آذربایجان

در مزارهای آذربایجان آثار دو فرهنگ ترکی و آذربایجانی پیش و پس از اسلام دیده می شود. نمونه های زیر آثار فرهنگ ترکی پیش از اسلام در مزارها و سنن قبرهای ترکان آذربایجانی بشمار می روند:

**فورقان:** مدینت فورقان در آذربایجان در هزاره های ۳-۴ قبل از میلاد آغاز شده است. در این دوره در آذربایجان گروههای پروتوتورک می زیسته اند. در عصر جدید مدینت فورقان با نام اوغوز خاقان مرتبط شمرده شده است. طبق روایات و افسانه های آذربایجانی اوغوز خاقان در کشورهایی که فتح می کرده امر به ساخت فورقانها و یا تپه های مرتفع می داده است. محمد حسین خلف تبریزی مولف برهان قاطع در اثر خود هنگام ریشه شناسی نام آذربایجان به فورقانهای ترکی اشاره نموده است. وی نام آذربایجان را نیز از همین تپه های مرتفع و یا فورقانها که به امر اوغوزخان برپا شده اند دانسته است. به گفته وی نام آزر در ترکی قدیم به معنی جای مرتفع است. امروزه در اوکراین نیز به فورقانهای تورک، اغوز گفته می شود، از طرف دیگر به فورقانهای از این نوع در آذربایجان "اوغوز قیبرلری" گفته می شود. فرمی از کلمه فورقان در ترکی امروزی در زنجان آذربایجان و به شکل فورلاماق به معنی دفن کردن محافظه شده است.



**بالبال:** حفريات باستانشناسی نشان می دهند که رسم و سنت بالبال در آذربایجان به طور پیوسته تا آغاز قرن بیستم به حیات خود ادامه داده است. در قرون وسطی مجسمه دلاور متوفی و یا کشته شده به عنوان سمبل شجاعت و بیباکی، جای خود را به مجسمه های قوچ و شیر داده است. امروزه نیز علاوه بر قوچ و شیر و .. مجسمه های انسانی و عکسهائی که در مزارهای آذربایجان دیده می شوند، فرم معاصر بالبالهای ترکی شمرده می شوند. فرهنگ بالبال بویژه در میان ایلات ترک آذربایجانی ساکن در جنوب ایران مانند قشقائی ها زنده به شکل نقش کردن صورتهای آنتروپومورفیک (انسانی)، زومومورفیک (حیوانی، بویژه قوچ و شیر)، کوسمیک (خورشیدی...) نگه داشته شده است. کاربرد سمبولهای کوسمیک مانند خورشید و ماه در میان ترکان باستان از جمله ترکان باستانی هون تمیلگر تنگری و یا خدای ترکان بوده است.

**دیکیلی داش:** به ستونهای بلند مزارها در نقاط گوناگون آذربایجان از جمله تبریز (پیری شیروان)، توفارقان (بادامیار قبریستانی)، اورمو (بند کندي) و شکي (یوخاری باش اسکی مزارلیغی) برخورد می شود. در روستای بند اورمی، قبرستان شهدای عثمانی وجود دارد. اینها مزارهای سربازان عثمانی می باشند که در سالهای ۱۹۱۸ به هنگام قتل عام ترکان

آذربایجان جنوبی از سوی ارمنیان به کمک ترکان آذربایجان شتافته و در آنجا شهید شده اند. بر مزار این شهدا ستونهایی به ارتفاع دو متر برپا شده است.

**تریه های چادری شکل:** تریه های چادری شکل که در زمان ترکان سلجوقی نیز بسیار رایج بوده است، نمود دیگری از ردپای فرهنگ ترکی در مزارهای آذربایجان است. در دوره سلجوقیان آذربایجان و آناتولی، مساجد و تریه های بسیاری از بزرگان دینی و سیویل به شکل گوی-پورد-چادری ترکی ساخته شده اند. امروز هم در آذربایجان، اگرچه در موارد نادری، تریه هایی به شکل چادر و پوردهای ترکان آسیای میانه یافت می شود.

**فیگورهای حیوانی:** از مهمترین ردهای باورها و ادیان ترکی باستان در سنگ مزارها، کاربرد فیگورهای حیوانی مشخصی در آنها است. هر چند در فرهنگ اسلامی نقش فیگورهای انسانی و حیوانی ممنوع بوده است، در مزارهای آذربایجان اینگونه اشکال در ادامه فرهنگ ترکی پیش از اسلام به وفور دیده می شوند. در تاریخ ترکان مسلمان نیز بویژه از دوره سلجوقیان فیگورهای کوزمیک، هندسی، گیاهی و حیوانی بکار رفته است. فیگورهای حیوانی بکار برده شده مانند قوچ، ازدها، انواع پرنده (عقاب، قوش)، شیر، گرگ، ماهی، اسب، طاووس و ... عموماً اونقون (توتم) طوایف و اقوام ترک بوده اند. اکنون در آذربایجان و حتی در گستره بزرگتر قلمرو دولت ترکی آذربایجانی قاراقویونلو، بر سر مزارهای آنها به مجسمه های سنگی قوچ که سمبل و توتم آنها بود، برخورد می شود. سنگ مزارها با فیگورهای حیوانی شیر و قوچ و ... در میان ایلات ترک آذربایجانی مانند قشقانی بسیار رایج است.

**مجسمه، عکس و نقشهای دیگر:** محققین سنگ مزارهای آذربایجان را در مقوله بالبالهای ترکی باستان دسته بندی کرده اند. به عقیده این محققان، مجسمه شخص متوفی در مزارهای امروز آذربایجان، معادل بالبالهای ترکهای باستان است، این محققان کاربرد عکس متوفی در سنگ مزارها را نیز و ترسیون مدرن بالبالها دانسته اند. مورد دیگر، نقش آشیانی بر سنگ قبرها مربوط به شغل، مسلک و حرفه متوفی است. مانند صحنه های ضیافت و شکار در سنگ قبرهای ترکان گوک تورک و شمشیر و سپر، تیر و کمان بر سنگ قبرهای نظامیان، و یا نقش قویوز (ساز) در مزار آشیقها در اورمی، سالماس، قاراباغ و ...

**نوشته های ترکی و هلال ماه و ستاره:** از مهمترین نشانه های هویت ترکی بر مزارها می باشند که در زیر به آنها به طور جداگانه اشاره شده است.

### هلال ماه و ستاره

سمبل ماه و ستاره (آی اولدوز) نشانه مسلمان و هم چنین ترک بودن متوفی است. پس از استقلال آذربایجان و با توجه به وجود هلال ماه و ستاره در پرچم این کشور و هم چنین ترکیه، این سمبل بار هویتی ملی و سیاسی جدیدی پیدا نموده است. ستاره پنج گوش به همراه هلال ماه از دوران گوک تورکها سمبل ترکان بوده و در سده های اخیر با ظهور امپراتوری عثمانی همچنین به سمبل اسلام تبدیل شده است. ستاره هشت پر، سمبل ترکان سلجوقی و همچنین برخی از اقوام و سلسله های ایرانی باستان است. با توجه به تاثیر پذیری عمیق سلجوقیان از فرهنگ ایرانی، محتمل است که آنها ستاره هشت پر خود را از فرهنگ ایرانی اخذ کرده باشند.

در سالهای اخیر همگام با بازگشت به هویت ترکی و ترک تعصبات مذهبی، کاربرد سمبل ملی هلال ماه و ستاره در میان ترکان ایران و آذربایجان جنوبی در اعلامیه ها و سنگ قبرها و ... بسیار رایج شده است. به موازات آن، حساسیت مقامات و نهادهای جمهوری اسلامی به این سمبل نیز افزایش یافته است، تا چند سال پیش در مناره بقعه سید حمزه در تبریز در کنار مقبره الشعرا هلال ماه و ستاره ای همانند هلال و ستاره مساجد ترکیه و جمهوری آذربایجان وجود داشت. ولی اکنون از این حلال و ستاره خبری نیست گویا نهادهای دولتی جمهوری اسلامی، علامت ماه و ستاره موجود در مناره را احتمالاً به این دلیل که در پرچم های آذربایجان و ترکیه نیز ماه و ستاره وجود دارد نتوانسته اند تحمل کنند.

در ایران، آذربایجان، ترکیه و عراق برخی از ترکان جعفری و علوی برای تاکید بر هویت مذاهب خود از سمبلهای خاص استفاده می کنند. این سمبلها که عموماً برای هر دو مذهب علوی و جعفری یکسان است، عبارتند از: نام بردن از اهل بیت (حض. محمد، علی، حسن، حسین و فاطمه)، نقش عباراتی مانند یا علی مدد و استفاده از شکل دست چپ به عنوان سمبل این پنج تن. (گویا در این دست، مچ خدا، انگشت بزرگ حض محمد، اشاره حض علی، میانه حض فاطمه، انگشتی و کوچک حسن و حسین را تمثیل می کند).

نکته قابل ذکر دیگر تاکید ترکان علوی (قرلباش و یا اهل حق) بر کاربرد زبان ترکی در مزارها و مراسم دینی شان است. این نکته بر خلاف فرهنگ شیعیان امامی می باشد که به شدت تحت تاثیر فرهنگ مذهبی فارسیها قرار دارند. نوشتن سنگ مزارها به زبان ترکی در میان ترکان علوی آذربایجان حتی در دوره پهلوی نیز بسیار رایج بوده است. یکی از نمونه های اینگونه سنگ قبرهای ترکی را غلامحسین ساعدی در کتاب ایلخچی خود ذکر کرده است:

بیر پری بیتر، ملک صورتلیندیر بو مزار  
گور نجه خاکپیله ینکسان ائیله بیدیر روزگار!

### سنگ قبرها، اعلامیه های ترحیم و آگهی های فوت یک ترک، باید به زبان ترکی باشد

بنا به مشهور، پدیده سنگ قبر به شکل امروزی آن نخستین بار از طرف موسویان باستان آغاز شده است. در آغاز سنگ قبرها عبارت از سنگهای صاف (به ترکی سال و یا یاسینی داش) بود که بر روی قبر انداخته می شد. بعدها در طرف سر قبر (باش داشی) سنگهای نقش دار (تیکیلی سوسلو داشلار) نصب شدند. در قرون اخیر در بسیاری نقاط در طرف پای قبر (آباق داشی) نیز سنگی نصب میشود. فرهنگ اسلامی در آغاز ساختن قبر همیشگی را گناه شمرده و تنها برای اینکه پس از دفن حیوانات وحشی جسد آنها را از خاک بیرون آورده و متلاشی نکنند، به گذاشتن سنگی بر روی خاک مساعده شده است. اما این قواعد در میان ترکها از رغبت و قبول برخوردار نشده و فرهنگ مزار ترکی پیش از اسلام، پس از آن نیز ادامه پیدا کرده است. همچنین در فرهنگ اسلامی بی نوشته بودن سنگ قبرهای بالا و پائین مقبول تر و مقدستر است. حتی در این فرهنگ، سنگ قبرهای اشخاص زاهد ترجیحاً بدون نوشته است. در میان ترکان کوچنده نیز به عنوان یک اصل، مزارها بدون نوشته و به صورت تیکمه داش بوده اند. درج نوشته بر سنگ قبرها یکی از نتایج گسترش شهرنشینی است. پس از آن، در عهد دولتهای ترکی تنها سنگ قبرهای جلادان بدون نوشته بود.

- آگهی های فوت، اعلامیه های ترحیم، تعزیه (یاس)، ختم و ... ترکان می باید به زبان ترکی باشد.

- سنگ قبرهای ترکان در هر کجای کشور که باشند، مطلقاً می‌بایست به زبان ترکی نویسانده شوند. ترکی نویسی سنگ قبرهای ترکان نمی‌باید به آذربایجان جنوبی محدود باشد، تمام ترکان در سراسر ایران می‌باید سنگ قبرها را به زبان ملی خود ترکی بنویسند.
- می‌باید که تمام سنگ‌نوشته به زبان ترکی باشد، نباید به درج صرفاً شعری ترکی در سنگ قبرها بسنده شود
- در صورت مخالفت مسئولین با سنگ قبرهای ترکی، نباید به راحتی از این امر گذشت، باید با تمام امکانات به این محدودیت و ممنوعیت اعتراض کرد، از چنین محدودیت‌هایی به مراجع صالحه شکایت نمود و این شکایتها را -حتی اگر امیدی به دادخواهی نیز نباشد- با جدیت تعقیب کرد.
- محدودیت‌های دولت در نوشتن سنگ قبرهای به زبان ترکی می‌باید در گزارش‌های حقوق بشری انعکاس یابد.
- سلجوقیان و ایرانیان قدیم می‌باشد و احتمالاً سلجوقیان که به شدت تحت تأثیر ایرانیان بوده اند آنرا از ایشان اقتباس کرده اند.
- در صورت امکان می‌باید بخشی از نوشته‌های ترکی- اقلاً نام متوفی- به خط لاتینی ترکی نیز نوشته شود
- در نوشته‌های ترکی دقت فراوانی باید به درست نوشتن کلمات و املاء فوننتیک آنها مبذول داشت.
- در نوشته‌های ترکی حتی المقدور می‌باید از بکار بردن کلمات فارسی و عربی رایج در فارسی اجتناب کرد.
- در آگهی‌های فوت، اعلامیه‌های ترحیم، و سنگ قبرهای ترکان می‌باید نام زنان و دختران، و نواده‌های مونث و، نیز مانند مردان و پسران ذکر شوند.
- ایلیگون و یا تاریخها ترجیحاً می‌باید هم به صورت شمسی (گونه ش ایلی) و هم میلادی (دوغوش ایلی) حرفی و با ذکر ماه و روز عددی ذکر شوند.
- در صورت امکان می‌باید از سمبولهای ترکی و آذربایجانی در اعلامیه‌های ترحیم، آگهیهای فوت و سنگ قبرها استفاده نمود مانند هلال ماه و ستاره، سه رنگ پرچم ملی آذربایجان، و کاربرد مجسمه‌های بالبال گونه در مزارها و...

### آناتومی يك سنگ قبر ترکی

- ۱- ماه و ستاره [علامت اسلام و ترکیت]، دست چپ [علامت تشییع]
  - ۲- اولو تانرینین آدی ایله، تانرینین آدینان، هامی تانرییا قاووشاجادیر....
  - ۳- هو الباقی، الحی، هو الحی، الخلاق، هو الحی الباقی، هو الخلاق الباقی، یاهو، هو، هوالمعین، آه من الموت [در باره دختران و زنان جوان]،...
  - ۴- تانری قالیجیدیر، تانری قالارقیدیر، تانری منگیدیر، تانری دیری و قالیجیدیر، تانری پاراتقاندیر، تانری پاراداندیر، تانری کومه کچیدیر،...
  - ۵-۱ باغیشلانمیش [رحمتلیک]، سویورقانیمیش [مغفوره]، اسیرگه نمیش [مرحوم]، یارلیقانیمیش
  - ۶-۱ حنیدر و فاطما اوغلو
  - ۷-۱ توغرول به ی گمیچی'نین
  - ۸-۱ سونا انوی، سون یوردو
- و یا
- ۵-۲ بورادا یاتیدیر [مدفوندور]
  - ۶-۲ بیرجه قیزیمیز، گنج اوغلوموز، سنوگیلی آنامیز، وارلیغیمیز آنامیز، سنویملی ائشیم، انویمیزین بویوبو، ساین باجاناغیمیز...
  - ۷-۲ جلال و فاطما قیزی
  - ۸-۲ سونا خانیم قیلیچخانلی
- ۹- دوغوم، دوغومو، دوغوم ایلی، دوغولدوغو ایلی: گونه ش ایلی، .... دوغوش ایلی...
  - ۱۰- اولوم، اولومو، دونیاسینی ده بیشدییی ایلی، تورباغا دوشدیویو، کوچدیویو، اوچدوغو،...
  - ۱۱- [تورکجه یازی-قوشوق (شعر)]
  - ۱۲- روحونا فاتیحه، روحونا الفاتیحه، روحو اوچون فاتیحه، روحو اوچون الفاتیحه، فاتیحه ائحسان ائيله، ائيله روحوما فاتیحه، فاتیحه اوخویون روحونا، منه ائيله بیر فاتیحه
  - ۱۳- [تاریخ، ایلیگون].... گونه ش ایلی، .... دوغوش ایلی

سين داشى يازىتى- ايلك اۆرنه ك	سين داشى يازىتى- ايگىنچى اۆرنه ك	سين داشى يازىتى- ايلك اۆرنه ك
<p>آي اولدۇز</p> <p>تائىرىنن آدينان اه من الموت تائىرى دىرىدىر</p> <p>يارلىقانىمىش [مرحومه]، سويور قانىمىش [مغفورە] دونيائين چيچك باخچاسيندا بير قونچا ايكن اجل يغلىننن خزان ائيله دىيى</p> <p>بيرجه قىزىمىز سازا اغداش ين سون يوردو</p> <p>دوغوم ايلى: تورباغا دوشدو ايل:</p> <p>[توركجه يازى- قوشوق] فاتىجه اوخويون روچونا ... گونه بش ايلى- ... دوغوش ايلى</p>	<p>آي اولدۇز</p> <p>هامى تائىرىيا قاووشاچاقىر يا هوا تائىرى ياراتقاندىر</p> <p>بورادا ياتىدىر اسيرگه نيمىش [مرحومه] سنوگىلى اناميز</p> <p>جلال و فاطما قىزى سونا خاتىم قىليچخاننى</p> <p>دوغولدوغو ايل: دونياسىنى ده بيشدىيى ايل:</p> <p>[توركجه يازى- قوشوق] روچونا فاتيجه ... گونه بش ايلى- ... دوغوش ايلى</p>	<p>آي اولدۇز</p> <p>اولو تائىرىنن آدي ايله هوالباقى تائىرى منگىدىر</p> <p>ائومىزىن بويوو، وارلىغىمىز اناميز باغىشلانمىش [رحمتلىك]</p> <p>خئيدر و خئيران اوغلو توغرول به ي گمىچى نين سون اتوي</p> <p>دوغوم: اۆلوم:</p> <p>[توركجه يازى- قوشوق] روچونا فاتيجه ... گونه بش ايلى- ... دوغوش ايلى</p>

در سنگ مزارهاي تركي به جاي حادثه مرگ معمولاً تعابير مجازي زير بكار مي رود: يوخ اولماق، يوخالماق، اوچماق، اوچاوارماق، اولمك، آيريلماق، گنتمك، كۆچمك، سولماق، سارارمىش قورو يارپاق اولماق، تورباغا دوشمك، اجل شىرتىني ايچمك، اجل شىرتىني ايچمىشىدىر، اجلىن اوخونا اوغرايىدىر، گنج ياشدا اجلىن اغينا دوشموشدور، اجل امان و نرمة ميشدىر، دونيائين گول باخچاسيندا بير قونچا ايكن اجل يئلي اونو خزان ائيله ميشدىر، گنج ياشدا اجل پنيامنه سي دولموشدور، اجل نشترينه دوشموشدور ....

در برخي از سنگ قبرها در باره شهيد اشعاري از محمد عاكيف نوشته شده است:

ائى بو تورباقلار اوچون تورباغا دوشموش عسكەر  
گويدن اجداد اينه ره ك اؤيسه او پاك آلتى، ده به ر

براي نمونه هاي ديگر به آخر اين نوشته مراجعه كنيد.

#### چند كلمه تركي مربوط به فوت و امور ديني:

تركان باستان به خدا تنگري، به مراسم خاكسپاري يوغ، به مزار فورقان، به سنگ مزار بالبال و خادمان ديني خود قام مي گفته اند. در زير معادل تركي چند كلمه مربوط ديگر در زبان فارسي آورده مي شود. شايسته است نويسندگان و شعرا و اهل قلم، كلمات اصلي تركي زير را به جاي كلمات فارسي دخيل در زبان تركي كه استقلال و هويت اين زبان را تهديد و مخدوش کرده است بكار برند:

**مزار:** سين Sin، سينه Sinə، سينله Sinlə. به نظر مي رسد تشابه كلمه تركي سين به معني مزار با كلمه سينوس لاتين به معني شكاف و شيار حادثه اي تصادفي است.

**قبر، گور، مقبره:** باساغا Basağa، يترچو Yerçü، توبلو(ق) Tubluq، توبلو Tuplu، سوكي Söki، قومر Qom، توكه Tükə، قومو Qomva

**مزار نارىك:** تونه ريك Tünərik، تونه Tünə، تونه ره ك Tünərak، فاراير Qarayər، فارا دام Qaradam، فارا اورون Qaraoron

**مدفن:** گومت Gömüt، گومه ج Göməc، گومگه ن Gömğən، گومتو Gömdü

**نرپه:** قورقان Qurqan

**آرامگاه:** ياتىر Yatır

**آرامگاه اندي:** منگي ياتىر Məngi Yatır، اوركه ن ياتىر Ürkən Yatır (اوركه ن: هميشگي)

**مرقد، بقعه:** قورقان ائو Qurqan Ev

**قبرستان:** اولولوك Ölütlük، سينليك Sinlik، سينلاق Sinlaq، سينلك Sinlək، گومتلوك Gömtlük.

**گوركن:** گومتوچو Gömütçü، سينچي Sinçi

**گوركني:** گومتوچولوك Gömütçülük، سينچىليك Sinçilik

**سنگ قبر:** سال Sal (سنگ مسطحي كه بر روي قبر گذاشته مي شود)

**مجسمه قبر:** بالبال Balbal

**كنيه سنگ قبر:** سين يازىتى Sin yazıtı

**ستون يادبود، ستون مزار:** تيكمه داش Tikmə daş، تيكيلي داش Tikili daş

**سنگ عمودي مزار:** تيكيت Tikit

**سنگ سر مزار:** باش داشى Başdaşı

**سنگ پاي مزار:** آياق داشى Ayaqdaşı

**مرگ:** اولوم Ölüm

**اجل:** قارايازي، قارادوه Qaradəvə، قاراچيخين Qaraçixın، قاراويل Qarayol

جناره: اولوك Ölütk

نعش: اولوت Ölütk

مردہ: اولو Ölütk

پارچہ ابریشمی روی فیر: ائشیک Eşik

تابوت: قابساق Qapsaq, قابیرجاق Qabırcaq

تختہ حمل تابوت: سالاجا Salaca

ولادت، متولد ...: دوغوم Doğum, دوغوملو Doğumlu

وفات، فوت: اولوم Ölüm, اولوم Ölüm

فرزند ...: اولو Oğlu, قیزی Qızı

عزا: یاس Yas

تعزیه: یاس توره نی Yas Törəni

مرثیہ: یاخیم Yaxım, یاخما Yaxma, آغیت Ağıt, آغی Ağı (آغیت: ذکر محاسن و نیکی های متوفی و الم و حرمان ناشی از دست دادن وی به شکل منظوم و طبق مقامی مشخص، بیشتر از طرف زنان در مرگ اشخاص مشهور و یا آفات اجتماعی گفته می شد. از مشهورترین آغیتهای ترکی، آغیت آلب ار تونقا است).

نوحه: ساغو Sağıu (ساغوها که در مراسم یوغ گفته می شده اند متناسب با خصوصیات متوفی بوده اند).

نوحه خوان: سیغیتچی Sağıtçı, ساغیتچی Sağıtçı

مویه گری: اوخشاما Oxşama

مراسم عزاداری: یاس توره نی Yas Törəni

اعلامیه فوت، آگهی مرگ: اولوم دیوروسو Ölüm Duyurusu, اولوم بیلدیرسی Ölüm Bildirisi

ترحیم: یوغ Yuğ, قوراق Qoraq, اه یله شیم Əyləşim

مجلس ترحیم: یوغ توره نی Yuğ Törəni, اه یله شیم Əyləşmə

شرکت کنندگان در مجلس ترحیم: یوغچو Yuğçu

مرحوم: سویورقانمیش Soyurqanmış

رحمت کردن: سویورقاماق Suyurqamaq

رحیم: سویورقان Suyurqan

مرحوم، مرحومه: اسیرگه نمیش Əsirgənmiş, باغیشلانمیش Bağışlanmış, سویورقانمیش Soyurqanmış

مغفرت، آمرزش: یارلیقاماق Yarıqamaq

مغفور، مغفوره: یارلیقانمیش Yarıqanmış

مهربان: سئویتلی Seviti, پدر مهربان: سئویتلی آتا Seviti Ata

فداکار: اوزوریللی Özverili, یولوچو Yoluqçu

بزرگ خاندان: اوسون بویوی Usun Böyüyü, اوسونون باشی Usunun başı

پدر بزرگوار: اولو آتا Ulu Ata

محترم، گرامی: سایین Sayın, سابقیلی Sayqılı

روح شاد، روحش شاد: تینی-تینین سئوینجلی اولسون! Tini Tinin Sevincli Olsun

روح: اوزوت Özütk, سونه Süne, فوت Qut, سور سالقین Sür Salqın, تین Tin, کورموس Körmös, یولا Yula, اوزقونوق Özqonuc

آگهی، اعلان، اعلانیه: دیورو Duyuru

اعلامیه، اطلاعیه، بیانیه: بیلدیری Bildiri

آگهی ترحیم: یوغ دیوروسو Yuğ Duyurusu

ابراز همدردی: باش ساغلیغی دیوروسو Bassağılı Duyurusu

اعلامیه ی تشکر: ساغ اولون دیوروسو Sağıolun Duyurusu

خانواده: اوسون Usun

خانواده های داغدار: یاسلی اوسونلار Yaslı Usunlar

اقوام: قودالار Qudalar

خویشاوندان، فامیلها: یاسونلار Yasunlar

بازماندگان: فالانلار Qalanlar

نزدیکان: یاخینلار Yaxınlar

آشنایان: تانیشلار Tanışlar

داغداران: یاسلیلار Yaslılar

دوستان: یولداشلار Yoldaşlar, آرخاداشلار Arxadaşlar

همسایگان: قونشولار Qonşular

وابستگان:

منسوبین:

شادروان:

ناکام:

مجلس ترحیم زنانه: قادینلار اوچون یوغ Qadınlar üçün Yuğ, قادین اه یله شیم سی Qadın Əyləşməsi

وصیت: توتروق Tutruq, توتسوق Tutsuq

وصیت کردن: توتوماق Tuturmaq

میرات: قالیق Qalıt, آندیر Andır

ایمان آوردن: بۆتمک Bütmək

دین: بۆته م Bütəm

دینی: بوته مسه ل Bütəmsəl

مذهب: کیرتین Kirtin

طریقت: سوره ک Sürək

بیدین: بوته مسیز Bütəmsiz

بادین: بوته ملی Bütəmli

دیندار: بوتگون Bütgün

**مۇمىن** : بۇتگە ن Bütgen  
**بىناڭگرا**: كۆكدنچى Kۆkdənچى  
**بىناڭگراي دىنىي**: كۆكدن بوته مچى Kۆkdən Bütəmçى  
**روحانىي**: بوته م ار Bütəmər، توپىن Toyın، قارادونلو Qaradonlu  
**حكومت روحانىيان**: بوته م ارك Bütəmərک  
**ماخذ**: چىخاق Çıxaq  
**الهيئات**: تانرى بىلىم Tanrı bilim

**خطای شرعى**: آرینچى Arınچى، يازىق Yazıqlı  
**گناھكار**: يازىقلى Yazıqlı  
**خطای عرفى**، **جرم**: سوچ Süç  
**حضرت**: اندىز Ediz  
**كافر**: اورتگە ن Örtgen

**مكان مقدس**: يىگ اتو Yegev  
**زىارتگاه**: گوروشگە Görüşgە  
**زىارت**: گوروش Görüş  
**مسجد**: يوكونلەك Yökünلەك، يوكونجولوك Yökünclük  
**مناره**: سيوره ن Sivrən  
**منبر**: تومسە Tümsə  
**محراب**: سوناق Sunaq  
**امام جماعت**: قانشاردا Qanşarda  
**وضو**: ي وارىن Yuarın (بو.+آرىن.)  
**وضو كرفتن**: يوارىنماق Yuarınmaq  
**غسل**: چىم آرىن Çımarın (چىم.+آرىن.)  
**غسل كردن**: چىم آرىنماق Çımarınmaq  
**اذان**: اۇندە Ündə  
**موذن**: اۇندە چى Ündəچى  
**اذان گفتم**: اۇندە مك Ündəmək  
**امام**: باشرا Başra  
**مرجع تقليد**: يانسى چىخاغي Yansı Çıxağى  
**مقلد**: يانسىق Yansıq، يانساق Yansaq  
**نماز**: يوكون Yökün، يوكونج Yökünç  
**سجده**: يوكنو Yökno  
**قربان**: اداق Adaq

**بدعت**: قوندارتى Qondartى  
**بدعتگزار**: قوندارتان Qondartan  
**روسري اسلامي**: بورگو Bürgü  
**تلىانس، مدارا، تسامح، تساهل**: دۇزون Dözün  
**تلىانت**: دۇزونلو Dözünلۈ، دۇزگون Dözgün  
**سكولارىزم**: بونداليق Bونداليق Bundalıq  
**سكولار**: بوندالي Bوندالي Bundalı  
**لائىسىسىم**: ائلدنلىك Eldənlik، ائلدن Ark Eldənərک  
**لائىك**: ائلدن Eldən، ائلدنچى Eldənچى  
**تنوكراسي، حكومت دىنىي**: اوغان Ark Uğanərک  
**تنوكرات**: اوغان ار Uğanər

**سپيده، شفق، سحر**: دان Dan  
**نماز صبح**: ائرتە بوكونو Ertə Yökünü  
**نماز ظهر**: اويلە بوكونو Öylə Yökünü  
**نماز عصر**: ايكىندي بوكونو İkinci Yökünü  
**نماز مغرب**: اخشام بوكونو Axşam Yökünü  
**نماز عشاء**: يانسى بوكونو Yatsı Yökünü

**غرب**: باتى Batı  
**مغرب**: گون باتار Günbatar  
**عروب**: باتسىق Batsıq، گون باتىشى Gün Batışı  
**شرق**: دوغو Doğu  
**مشرق**: گون دوغار Gündoğar  
**طلوع**: دوغسوق Doğsuq، گون دوغوشو Gün Doğuşu

**سال شمسي**: گونە ش ايلي Güneş İli  
**سال قمري**: آيسال ايل Aysal İli  
**سال ميلادي**: دوغوش ايلي Doğuş İli  
**سال هجري**: كۆچسە ل ايل Köçsəl İli

**هفته:** بنددیجه Yeddica  
**دوشنبه:** باشگۆن Başgün  
**سه شنبه:** توزگۆن Tozgün  
**چهارشنبه:** اودگۆن Odgün  
**پنج شنبه:** اورتاگۆن Ortagün  
**جمعه:** بئیگۆن Yeygün  
**شنبه:** ائلگۆن Elgün  
**یکشنبه:** آراگۆن Aragün

**ژانویه:** اوچاق آبی Ocaq  
**فوریه:** بوز آبی Boz  
**ژوئن:** چیچک آبی Çiçek  
**جولای:** اوراق آبی Oraç  
**مه:** کۆچ آبی Kõç  
**مارس:** یتلین آبی Yelin  
**آوریل:** قیرآجان آبی Qıraçan  
**اؤگوست:** بیچین آبی Biçin  
**سپتامبر:** سیخمان آبی Sixman  
**اکتبر:** اکیم آبی Əkim  
**نوامبر:** اؤلوسویوق آبی Ulusoyuq  
**دسامبر:** آرائیق آبی Aralıq

### سنگ قبرهای ترکی میراثی است که از ما به فراداهایمان خواهد ماند.

سنگ مزارهای ترکان، هم به لحاظ ساخت و طراحیشان و هم از جنبه نوشته های ترکی بر روی آنها، منعکس کننده دنیای درونی، ذوق و تفکر انسان ترک است. از آنها می توان سرنیهای در باره هویت و شخصیت متوفا بدست آورد. سنگ قبرها، گاهی اوقات منعکس کننده یک تاریخ، یک مویه، و بسیاری اوقات نیز پژوهی غمناک و تلخ از زبان متوفا است. با خواندن هر سنگ مزار می توان به دنیای درونی متوفا و بازماندگانش، جهانی آنها، و حتی به پرتنه عمومی خانواده، شهر، اجتماع و یا دوره وی، به چیزهایی که آنها اهمیت می داده اند پی برد. اینها بسیار بیشتر از یک سنگ قبر صرف بودن، آئینه تمام نمای درک ترکان از زندگی نیز می باشند. اینها منبعی برای علوم اجتماعی، سند و در عین حال خارقه ای هنری مرکب از سخن و نقش در آغوش طبیعت اند. در این سنگ مزارها، آداب و رسوم و سنن نیز جای خود را دارند. مانند گذاشتن سرپوش بر مزار مردان، گلها و یا جواهرات گوناگون پیشانی و گردن بر مزار بانوان و دختران که نشان از لطافت و ظرافت آنها دارد، و یا گذاردن دوواق بر تابوت و ساختن سنگ قبر دختران جوان فوت کرده به شکل دوواق، و یا حک کردن غنچه گل شکسته شده بر آنها. ظرافت و عمقی که در سنگ مزارهای ترکان دیده می شود، این ادعا که ترکان صرفا ملتی جنگجویند را باطل می سازد.

قبرستانهای ثروتی بزرگ، حاوی اسناد تاریخی و آثار هنری فراوان می باشند. سنگ قبرها اوراق تاریخند، صفحه های ادبیات و کتابهای کتابخانه ای سنگی اند که از گذشته به امروز رسیده اند. به طور خلاصه قبرستانها یک موزه و سنگ قبرها نیز یادبود کسانی که در آنجا آرمیده اند، و دلیل برای اثبات وجود آنهایند. سنگ مزارهای ترکان ایران و آذربایجان نیز می باید به عنوان اثری هنری و قبرستانهای ترک و آذربایجانی می باید به شکل موزه های روباز تلقی شوند. از همین روست که از طراحی سنگ مزارها، تا نقش و نگارهای حک شده بر آنها و متون و اشعار ترکی شان همه می بایست مانند گذشته - علاوه بر اطلاعات شخصی در باره کسی که در آن مزار آرمیده است- در باره هویت ملی او، وطن آذربایجانی و ملت ترک نیز معلومات دهند.

اهمیت و ارزشهای فرهنگی که در سنگ مزارها نهفته است اخیرا از طرف ترکان ایران کشف شده است. و به موازات آن انفجاری در نوشتن سنگ قبرها به زبان ترکی در سراسر آذربایجان بویژه استانهای مرکزی، آذربایجان غربی، زنجان و تهران مشاهده می شود. در زیر نمونه هایی از سنگ قبرها که به زبان ترکی نوشته شده اند آورده می شود:

بوتونویله تورکجه یازیلیمیش، آی اولدوزلو اؤرنه ک بیر سین داشی-اورمو



گنج اورمولو قوشارين، تورکبه سين داشی

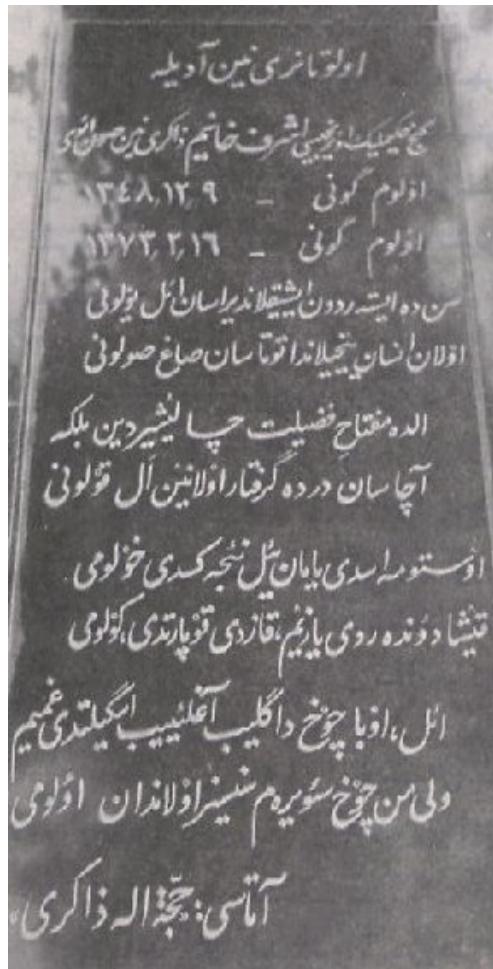
[آي اولدوز]

هامي تانريا قووشاجاقدير

آزربايجان ين گنج ميلليتيجي شاعيري  
اسماعيل كريم زاده اصل  
ذولفعلې اوغلو

دوغوم گونو: ۱۳۶۰-۸-۲۱  
دنيا ده بيشمه سي: ۱۳۸۳-۱۲-۱۱

ان سونوندا اولومدور سنوگيليم  
ايسته ر  
بيرتيجي اللرده اولسون  
ايسته ر  
گوزلرينين ايسلاق پاتاغيندا  
ان سونوندا اولومدور سنوگيليم



اولو تائرىنن آديله

گنج حكيمليك اويره نجيسي اشرف خانيم ذاكري نين سون انوي

دوغوم گونو: ۱۳۴۸-۱۲-۹

اولوم گونو: ۱۳۷۳-۲-۱۶

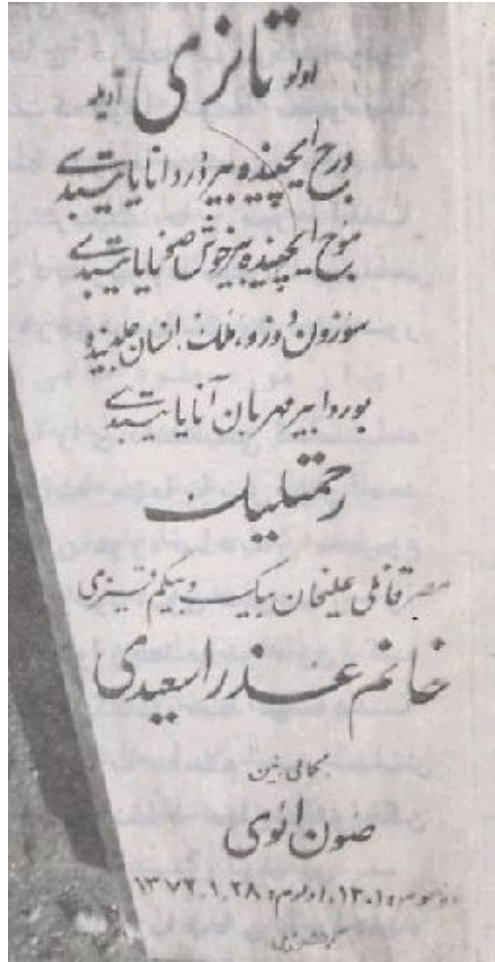
سن ده ايسته ردين ايشيقلانديراسان اتل يولونو  
اولان اينسان بيخيلاندا توتاسان ساغ سولونو

الده ميفتاج-ي فضيلت چاليشيردين بلكه  
اچاسان درده گيرفتار اولانين ال قولونو

اوستومه اسدي يامان پئل، نجه كسدي خولومو  
قيشا دۇنده ردي يازيم، قازدي فوپارتدي كولومو

اتل اوبا چوخ دا گليب اغلاييب اسكىلتدي غميم  
ولي من چوخ سنويره م سنسيز اولاندا اولومو

آتاسي: حجه اله ذاكري



اولو تانري آدپله  
دورج اچينده بير دوردانا ياتيدير  
مووج اچينده بير خوش سونا ياتيدير  
سؤزون دوزو، ملك اينسان جيلدينده  
بوردا بير مئهربان آنا ياتيدير

رحمتليك  
ميسيرقانلي عليخان به يگ و به يگيم فيزي  
خانيم عذرا سعيدي  
كمالې نين

سون ائوي

دوغوم: ۱۳۰۱، اولوم: ۱۳۷۲-۱-۲۸



( سون يوردو )

مرحوم مشهدي براتعلي مجيدزاده نين هميشه ليك اتوي

۱۲۵۲ شوواليندا اردبيلين ۶ آغاجليغي نير قصبه سينده دوغولوب  
و ۱۲۸۷ هيجري محرمين اون دوردونده اولو تانري رحمتينه قاووشدو

اڭي ده گره ك آغلايم  
سن اوچون اوره ك داغلايم  
بو فلک بيزي آيبردي  
اونا بىر ده بىل باغلايمىز؟

**حكيم تئليم خانين مزارداشى-مرغني-ساوه-آذربايجان**

حكيم تئليم خان'ين مزارداشى 13/5/85 ده مرهغنى كندينده كند آغ ساققاللارى نين تشبوتو ايله و تئليم خان'ين شئعرلى اوزره چالیشان موهنديس اميرى به بين ايش بيرلى بى ايله يئنى له نيبدير.



#### سین داشی یازیتی:

بیله نلر بیلسینلر، من تئلیم خان ام  
 بیلمه یه نلر بیلسین، گۆوهره م، کانام  
 ساکین-ی مرئغنی ه م، اصل تورکمان ام  
 گزه گزه بو جاهاندان کلیره م

تئیمور خان اوغلو  
 حکیم تئلیم خان

دوغوم ایلی: 1126 گونه ش ایلی (ه.ش)  
 اولوم ایلی: 1209 گونه ش ایلی (ه.ش)

اولکه میز عراق دیر، شهریمیز ساوا  
 مزله فان چاپیندان گۆتوردوم هاوا  
 عاشیقلا دردینه ائبله ره م داوا  
 من طبیبه م، هیندوستان دان کلیره م

#### پاورقیها:

(۱)- میلی شورا-چهارشنبه 9 آبان- اورمو نیوز: نیروی انتظامی اورمیه در طرحی جدید فشار به گروههای موسیقی آذربایجانی در شهر اورمیه را افزایش داده است. واحد نظارت بر اماکن عمومی و واحد اطلاعات نیروی انتظامی با احضار مسئولین گروههای موسیقی آذربایجانی شهر اورمیه به آنان اعلام کرده اند که حق شرکت در مراسم های عروسی را ندارند و بعد از اخذ مجوز از نیروی انتظامی می توانند به کار خود ادامه دهند. در این جلسه توجیهی از تمامی گروهها تعهد گرفته شده است که سرودها و مارشهای ملی آذربایجان در مراسم های عروسی نباید نواخته شود، از طرف دیگر کلیه مدیران تالارهای عروسی از راه دادن گروههای موسیقی بی مجوز منع شده اند.

نیما داستان هنرمند رقص آذربایجانی که در موسسه "باریش" اورمی به فعالیت و آموزش رقص آذربایجانی پرداخته و در مراسمها و کنسرتها شرکت میکند از سوی نیروی انتظامی احضار و شديدا به وی اخطار داده شده است که دیگر حق پوشیدن لباس سنتی آذربایجانی در مراسمها را ندارد و اگر این رویه ادامه یابد، بازداشت خواهد شد. لازم به ذکر است که در عروسبهای شهر اورمی سرودهای ملی آذربایجان نواخته شده و هنرمندان رقص آذربایجانی به ایفای هنر می پردازند.

(۲)- <http://toponimler.blogspot.com/2007/09/4-4.html>

(۳)- مثلا در خبری گفته می شود: میلی شورا: میراث تاریخی تورکان آذربایجان یکی پس از دیگری نابود می شوند. سنگ قبرهای قاجاری کوهشدت تخریب شد. سنگ قبرهای این گورستان تاریخی بودند. روی این سنگ قبرها نقشی از صحنه های شکار، جمعی از زنان، رقص مردان و بسیاری نقوش حیوانی و انسانی دیده می شدند. گورستان تخریب شده طی سالیان دراز و از طریق يك فرهنگ مردمی به وجود آمده بودند که نگهداری از آنها بسیار مهم بوده است. این گورستان هرچند ارزش تاریخی نداشته اما دارای ارزش مردم شناسی است.

(۴)- [http://gum-az.blogspot.com/2007/07/blog-post\\_09.html](http://gum-az.blogspot.com/2007/07/blog-post_09.html)

(۵)- دکتر ض. صدر، روزگار نو، شماره ی آذر ۱۳۷۵ ، ص ۶۸

(۶)- در صورت زدودن گرد و غبار فارسی از چهره تابناک ترکی آذربایجان  
<http://www.turkiran.com/b167-sozumuz1.htm>

برای خواندن مطلبی در باره ضرورت اجرای مراسم دینی شیعیان ترک به زبان ترکی به نوشته زیر مراجعه کنید: تورکلر و گونئی آذربایجان، بین دینی توره نلرینن دیلی تورکجه اولمالیدیر.  
<http://www.yurd.net/ARTT/2007/01-03.htm>

(۷)- <http://www.35000000.info/habergoruntule.asp?bolum=973>

#### ضمیمه: اشعاری از سنگ مزارها

لاچین اوغرونا  
افکار قارچینف (۱۹۷۰-۱۰-۰۲-۱۹۹۴)  
آغلا آنام آغلا  
قوی گوزباشینلا مزاریم اوستونده گوللر سولانسین  
ائله بیر نعره چک تیتره سین بئر گوی  
غفلت بوخوسوندان خالقیم اویانسین  
داغلارین قوینوندا آچان گول ایدیم  
سورمایین آ دوستلار، واختسیز سولموشام  
آزاد ائتمک اوچون آذربایجان ی  
من وطن یولوندا شهید اولموشام

سوس یوخلاییر!

زیارتدن موراد دوعادیر  
بوگون منه، یارین سنه دیر

بیر چیچک ایدیم دونیادا  
آچانمادان قیریلدیم

آغلارسا آنام آغلار  
اوزگه سی یالان آغلار

جاهاندا کیمسه قالماز، جمله فانی  
قالیر ایتمینا آه-و فغانی

عاقبت سن ده گلیرسه ن بو صیراطین باشینا  
حضرت-ی آدم کیمی گیرسه ن هزاران باشینا  
کیمسه به باقی دئییلدیر بو جاهان طلیل-ی خیال  
غفلت ایله آلدانیب منیل ائتمه قلب نققاشینا  
عاقبت اولسان گره کدیر سن ده مؤحتاج-ی دوعا  
اوخو بیر قاچ فاتحه، بخش ائيله دین قارداشینا  
آئی برادر باخ منه، یئتمه ز می هئچ عبیرت سنه؟  
شمع-ی نامیم بیر نشان اولدو مزاریم داشینا

بیر گول-ی دنیا ایدیم اصلینده من  
ایشته قوندوم خاک-ی قبره من ده تن  
بیر وفاسیز، اصلی یوخ دنیا ایمیش

انيله ديم كام المادان ترك-ي وطن  
هاردا قالدي بونجا آلايشلاريم  
اون سكيز ياشيندا گييديكده كفن  
من غريبه م، گلديم اني رب-ي غفور  
مغفیرت قيل مني، لوطف انيله سن

بو مزارلار درس-ي عبرت بئرلري  
غفلتي ات، گور اولومو، اولومو  
گور نيشانسيز ياتان سولطان ارلري  
فولاغين آچ، دوي اولومو، اولومو  
جان ملکه يي تسليم الميش جانلاري  
معمور ايکن ويران اولموش خانلاري  
هم چوروموش تورپاق اولموش تئلري  
سؤيله شيرلر، بيل اولومو اولومو

يا رب بو نه اولوم، نو ناصيل طولوم  
اه ديبب ده اغير باشلار اغلايير  
چيچه يي بورنوندا، سولان بو گولوم  
تورپاغا قاريشان ساچلار اغلايير

جان دايانير مي بئله بير زارا  
قالدي قبيامته منده كي يارا  
دور مزارچي، قازما وورما مزارا  
سن گورمه زسين داشلار اغلايير

اوتمه بولبول اوتمه باغلار ياسليدير  
بوگون آردانوشدا چاپلار باشليدير  
قالان بير کرمدير، گنده ن اسليدير  
اووالار، ياپالار، کوشکلر اغلايير

افکاري سن غمسيز قالمازسين بير گون  
اورتادا بير تابوت، بو ناصيل دويون  
هر کيمين اوزونه باخديسام بو گون  
چکيلير اوره کله، ايچلر اغلايير

(افکاري)

بیز دونيادان گنده ر اولدوق  
قالانلارا سلام اولسون  
بیزيم اوچون خنير دعا  
قيلانلارا سلام اولسون

اجل بوکه بئليميزي  
سؤيله تمه يه ديليميزي  
خسته ايکن حاليميزي  
سورانلارا سلام اولسون

تنيم اورتايا آچيلا  
ياخاسيز گومله ك بيچيله  
بيزي بير آسان وجهيله  
يويانلارا سلام اولسون

صيلا وئريله قصديميزه  
گنده ر اولدوق دوستوموزا  
ناماز اوچون اوستوموزه  
دورانلارا سلام اولسون

آشيق يونوس سؤيله ر سؤزون  
باش دولدورور ايكي گوزون  
بيلمه يه نلر نه يي بيلميش  
بيله نلره سلام اولسون

گلدي گنچدي عؤمروم منيم  
شول بئل اسيب گنچميش کيمي  
هله منه سؤيله گلدي  
گوزوم يوموب اچميش کيمي

ايشته بو سۆز حاق تانيقدير  
بو جان گۆوده يه فونوقدور  
ببر گون اولا چيخا گنده  
ففسدن قوش اوچموش كيمي

ببر خسته يه واردين ايسه  
ببر ايچيم سو وئردين ايسه  
يارين ندا فارشي گله  
حاق شارابين ايچميش كيمي

يونوس ائمره بو دونيادا  
ايكي كيشي قالير دئرلر  
مگر خيضر ايلياس اولو  
آب-ي حيات ايچميش كيمي

ببر چيچك ايديم دونيادا  
اچامادان قيريلديم

باشاديم دونيادا من ده ببر موددت  
ائتديم باجارديقجا نتجه نصيحت  
مقصديم وئرمك ايدي دوز يولو نيشان  
آلاها تاپشيريپ گۆجدوم دونيادان